Urmia University

Journal of Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Vol. 1, No. 1, Spring 2025

Online ISSN: 3060-7515

https://jispll.urmia.ac.ir/

Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Manifestations of surreal elements in the poems of ten child poets

Abbas Baghinejad [1]

1- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Received:
2022/11/17
Accepted:
2024/10/30
pp:
1- 10

Keywords:
Children's poetry,
Surrealism,
Surreal elements,
Objects,
Persons,
Sleep and Dream.

ABSTRACT

Children's poetry is created according to the characteristics and needs of children and based on the imagination and emotions of the children's audience. This provides the basis for making the world and conditions not similar to the surreal world or what is formed in surrealist works. In this research, the affinity of children's mentalities and fantasy world and, accordingly, the ratio of space and elements of children's poetry with some basics of surrealism and the dimensions of using ten poets of children's poets from the coordinates and capacities of surrealism have been explained and described. In this regard, the poetic possibilities and capabilities that led to the creation of a new reality beyond the known fact in the poetry of the poets of this study have been identified and defined. The results of the research show the quality of objectifying mental images and changing the identity and location of objects, how to create a context for different role-playing contrary to reality, and how to benefit from unconventional humor and the narration of dreams and dreams that are aspects of surrealism, In the poetry of the poets, this research has its manifestation. This, while revealing the conscious and unconscious tendency of these poets to use the capabilities of surreal elements, is an approach that provides the basis for the use of imagination in children's poetry following children's capacity and interests.

Citation: Baghinejad, A. (2025). Manifestations of surreal elements in the poems of ten child poets. *Journal of Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature*, 1(1), 1-10.

© The Author(s).

Publisher: Urmia Univertsity.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2024.121542

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.1.1.6

[1] **Corresponding author:** Abbas Baghinejad, **Email:** a.baghenejad@gmail.com, **Tell:** +989143498288

نشریه مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

شاپا الکترونیکی: ۷۵۱۵-۳۰۶۰

https://jispll.urmia.ac.ir/

نمودهای عناصر سوررئال در شعر ده شاعر کودک

عباس باقی‌نژاد[۱]

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

دریافت:
۱۴۰۱/۰۸/۲۶

پذیرش:
۱۴۰۳/۰۸/۰۹

صص:
۱۰-۱

واژگان کلیدی:
شعرکودک،
سوررئالیسم،
عناصر سوررئال،
اشیا،
اشخاص،
خواب و رؤیا.

چکیده

شعر کودک، متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای کودکان و بر اساس تخیل و عواطف مخاطبانِ کودک آفریده می‌شود. این امر، زمینهٔ خلقِ دنیا و احوالی را فراهم می‌کند که به دنیای سوررئال و یا آنچه در آثار سوررئالیستی شکل می‌گیرد، بی‌شباهت نیست. در این پژوهش، قرابتِ ذهنیات و دنیای خیالِ کودکان و به تبع آن، نسبتِ فضا و عناصر شعر کودک با بعضی مبانی سوررئالیسم مورد بررسی قرار گرفته و ابعادِ استفادهٔ ده شاعر از شاعرانِ کودک از مختصات و ظرفیت‌های سوررئالیسم تبیین و تشریح شده است. در این راستا، امکانات و قابلیت‌های شاعرانه‌ای که به آفرینش واقعیتی تازه و فراتر از واقعیتِ شناخته‌شده در شعر شاعران این پژوهش انجامیده، شناسایی و تعریف گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد: کیفیتِ عینی‌کردنِ تصاویر ذهنی و تغییرِ هویت و جایگاهِ اشیا، چگونگی ایجادِ زمینه برای نقش‌آفرینی متفاوت و مغایر با واقعیت، هم‌چنین، نحوهٔ بهره‌مندی از طنزِ نامتعارف و روایتِ خواب و رؤیا که وجوهی از سوررئالیسم هستند، در شعر شاعران این پژوهش، نمود و تجلی دارد. این امر، ضمن آنکه تمایل خودآگاه و ناخودآگاهانهٔ این شاعران را به استفاده از قابلیت‌های عناصر سوررئال آشکار می‌کند، رویکردی است که زمینهٔ به کارگیری تخیلی متناسب با ظرفیت و علائق کودکانه را در شعر کودک فراهم می‌سازد.

استناد: باقی‌نژاد، عباس. (۱۴۰۴). نمودهای عناصر سوررئال در شعر ده شاعر کودک. *نشریه مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی*، ۱(۱)، ۱۰-۱.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه ارومیه.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2024.121542

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.1.1.6

[۱] **نویسنده مسئول:** عباس باقی‌نژاد، **پست الکترونیکی:** a.baghenejad@gmail.com ، **تلفن:** ۰۹۱۴۳۴۹۸۲۸۸

۱– مقدمه

پیدایش سوررئالیسم، نتیجهٔ تغییری است که در رویهٔ برخی دادائیست‌های فرانسه به وجود آمد (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۷۸۶). دادائیسم، جنبشی نهیلیستی بود که طرفداران آن به افکار مشوش و آشفته متمایل بودند و نوعی گسیختگی و بی‌بندباری در آثارشان وجود داشت. این گروه، شعر را متنی مبتنی بر آرایش اشیا و هم‌نشینی تصادفی واژگان می‌دانستند (کادن، ۱۳۸۶: ۱۱۰). سوررئالیست‌هایی که از دادائیسم، گذار نمودند، در صدد آشکار کردنِ ابعاد و خصایصِ پنهانِ وجود انسان (رید، ۱۳۸۴: ۱۹۳) و خلقِ واقعیتی تازه و فراتر از واقعیتِ شناخته‌شده برآمدند (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۶۹). «آندره برتون» از شاخص‌ترین شاعران و نویسندگانی است که از دادائیسم فاصله گرفت و به پایه‌گذاری و توسعهٔ سوررئالیسم پرداخت. از او به عنوان اصلی‌ترین «تئوریسین مکتب سوررئالیسم» (خزائل، ۱۳۸۴: ۷۴۵) نام برده می‌شود. آثار برتون بهترین نمایانندهٔ اصول و مبانی سوررئالیسم به شمار می‌آید (همان).

آثار سوررئالیستی در جهتِ نشان‌دادنِ «جریانِ واقعی عمل تفکر» (الیوت،۱۳۷۵: ۲۸۴) و «رمزگشایی ذهنی دنیای خارج» (سیدحسینی،۱۳۸۷: ۷۸۸). شکل می‌گیرند و مبانی و اصول سوررئالیسم نیز برای تحقق چنین هدفی تعیین شده است. سوررئالیست‌ها بیانِ صادقانه و صریحِ اوهام و تصورات و نمایشِ افکارِ پنهان را اصلی بنیادین در هنر و شعر می‌دانند و آن را زمینه و امکانی برای ترسیمِ روشنِ ضمیرِ ناخودآگاه معرفی می‌کنند. به اعتقاد آنان، تصورات، تخیلات و تمایلاتِ واقعی انسان، عموماً تحت تأثیرِ عادات، قیود، قراردادها و موانعی که صبغهٔ اخلاقی، اجتماعی و سیاسی دارد، مجال بروز و ظهور نمی‌یابد. از این رو در ضمیر ناخودآگاه پنهان می‌ماند. سوررئالیسم، راهی است که این احوالِ نهفته را از ناخودآگاه بیرون می‌آورد و قابل مشاهد می‌سازد. از نظر سوررئالیست‌ها این امر، زمانی تحقق می‌یابد که هنرمند از «آزادی بی‌حسابِ تخیل ناب شاعری» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۲۴) برخودار می‌شود و «شورهای نهان و ناخودآگاه شعله‌ورش را بی‌واسطه در نوشتاری پریشان و شورانگیز بیرون می‌ریزد» (همان).

سوررئالیسم را «پدیده‌ای پُست‌مدرن» نامیده‌اند (لش، ۱۳۸۳: ۳۲). زیرا «ضدیت با واقع‌گرایی، ضدیت با شالوده‌گرایی و مخالفت با برهان‌های استدلالی» که بنیان پُست‌مدرنیسم است (آودی، ۱۳۸۰: ۳۰)، در سوررئالیسم نیز وجود دارد؛ همچنین، خصوصیاتی چون «جابه‌جایی»، «تناقض» و «فقدان قاعده» که از اصول مسلمِ پُست‌مدرنیسم به شمار می‌آید (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۲۳)، قبل از پُست-مدرنیسم در سوررئالیسم تجربه شده است. آثار سوررئالیستی هم‌چون آثار پُست‌مدرنیستی فاقد ساختارهای منظمِ زمان و فضا و نیز منطق علی و معلولی هستند و در آنها، دنیای خیال و واقعیت با هم درمی‌آمیزد.

۱- ۱- پرسش و فرضیهٔ پژوهش

- عناصر سوررئال چرا و چگونه در شعر کودک، نمود و تجلی می‌یابند؟
- ظرفیت‌هایی همسان در شعر کودک و عناصر سوررئال وجود دارد که میان آنها پیوند و قرابت ایجاد می‌کند.

۱- ۲- بیان مسئله

شعر کودک به واسطهٔ خصایص ذاتی و کودکانه‌ای که دارد، دارای دنیای تخیلیِ خاص است و از جهات مختلف با مبانی سوررئالیسم پیوند می‌یابد. شاعرانی که برای مخاطبان کودک شعر می‌سرایند، گاه به طور خودخواسته و تعمدی و زمانی نیز به صورت ناخودآگاه از مختصات سوررئالیسم و ظرفیت‌های آن، بهره می‌گیرند و به اشکال مختلف، نشانه‌های سوررئالیسم را در زوایای کار خویش قرار می‌دهند. تخیلی که مبنا و مایهٔ خلق اشعار کودکان قرار می‌گیرد، بیش از آنکه با تخیل شاعرانه به معنای متعارف، نسبت داشته باشد، با تخیل کودکانه و دنیای خیالی برگرفته از ذهنیتِ توهم‌پردازانه‌ای قرابت دارد که کودکان در مقاطع سنی خاصی از آن برخوردارند. چنین تخیلی با آنچه دستمایهٔ خلق آثار سوررئالیستی می‌شود، تا حدودی همسانی و نزدیکی دارد؛ زیرا موجب خلقِ فضا و دنیایی دگرگونه می‌شود و امکانی تازه را برای تغییر ماهیت و کُنش موجودات و پدیده‌های شناخته‌شده فراهم می‌آورد. این عبارت که تخیلِ کودک قادر به آفرینش «تابلوهای عجیب و غریب» (بارتو، ۱۳۵۶: ۴۳) است، سخنی مبتنی بر شناخت از ویژگی‌های ذاتی کودکان بوده و در حقیقت، بازتعریفی از دنیای خیالی شگفت‌آور و فرامنطقی کودکان است. آنچه شاعر کودک خلق می‌کند،

به هیچ روی نمی‌تواند بی‌ارتباط با این ویژگی کودکانه و قابلیت‌هایی باشد که به طور ذاتی در تخیل کودکان و در ذهنیت کودکانه وجود دارد؛ به بیان دیگر، الگوی شاعرِ کودک در خیال‌پردازی، منطقِ ذهنی و تلقیات و توهماتِ مخاطبان کودک است.

۱- ۳- پیشینهٔ پژوهش

در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته، پژوهشی که در آن، مستقلاً به سوررئالیسم در شعر کودک پرداخته شود، به دست نیامد. بخشی از کارهای انجام شده در این زمینه، پژوهش‌هایی است که در آنها از سوررئالیسم به عنوان یک مکتب ادبی سخن رفته است. تعدادی از این پژوهش‌ها در این نوشتار مورد رجوع و استناد بوده‌اند؛ جلد دوم کتابِ «مکتب‌های ادبی» از رضا سیدحسینی، «مکتب‌های ادبی» تألیف سیروس شمیسا، «سورئالیسم» نوشتهٔ فرشته اندیک‌فر، «سرگذشت سوررئالیسم» از آندره برتون، و «آشنایی با مکتب سوررئالیسم» نوشتهٔ محمدرضا خردمند از این زمره هستند. در این کتاب‌ها، زمینه، تاریخچه، و مؤلفه‌ها و مبانی سوررئالیسم به صورت‌های مختلف، تبیین و تشریح شده است. دیگر پژوهش‌های مرتبط، مقالاتی هستند که طی آن‌ها پیوند سوررئالیسم با آثار ادبی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یکی از این مقالات، «بوطیقای سوررئالیستی مولوی» از «محمود فتوحی» چاپ‌شده در مجلهٔ «مطالعات و تحقیقات ادبی» (۱۳۸۴، شمارهٔ ۵ و ۶) است. در این پژوهش، چگونگی بهره‌مندی مولانا از «نگارش خودکار» که از اصول سوررئالیسم است، مورد بررسی قرار گرفته است. «سوررئالیسم در حکایت‌های صوفیانه ...» از علیرضا اسدی، چاپ‌شده در فصلنامهٔ نقد ادبی» (۱۳۹۱، ۱۷) مقالهٔ دیگری در این باره است که در آن، چگونگی مطابقت نظریهٔ سوررئالیستی با شماری از حکایت‌های منثور عرفانیِ بیان و تحلیل گردیده‌است. «مراحل دریافت متن در شعر سپهری بر اساس رویکرد بوگراند و درسلر» از «فرخ لطیف‌نژاد» و ... پژوهشی است که در مجلهٔ (جستارهای زبانی، ۱۳۹۳/۱۹) به چاپ رسیده و در آن، چگونگی تکرار طرح ذهنی سپهری در اشعار متفاوت و موقعیت‌های جدید، بر اساس رویکرد «بوگراند و درسلر» بررسی و تشریح شده است. «تجسم ساختارشکنی: تحلیل رویکردهای ساختارشکن در تصاویر سوررئالیستی، قرن ۲۰» از فاطمه پورمند و ...، نشریافته در فصلنامهٔ «کیمیای هنر» (۱۳۹۶، شمارهٔ۲۲) پژوهش دیگری است که طی آن، از منظر ساختارشکنی به رویکردهای هنر سوررئالیستی نگریسته شده و تشابهات نگرش ساختارشکنانه و نظریه سوررئالیسم بیان گردیده‌است. این آثار و پژوهش‌هایی از این دست، به عنوان زمینه و پیشینهٔ پژوهشِ حاضر قابل طرح توانند بود، با این وصف، پژوهشی که در آن، پیوندهای شعر کودک فارسی با سوررئالیسم، یا تجلی مؤلفه‌های سوررئالیسم در شعر کودک فارسی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، به دست نیامد.

۱- ٤- روش و محدودهٔ پژوهش

در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی، تجلیات عناصر سوررئال در دوازده مجموعه‌شعر از ده شاعر کودک مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است؛ «دامادی آقا کلاغه» سرودهٔ مریم اسلامی، «رونویسی از بهار» سرودهٔ غلامرضا بکتاش، «ساندویچ قطار» و «دمپایی خورشید» سرودهٔ حسین تولائی، «یک قاچ هندوانه» سرودهٔ زهرا داوری، «شب تاریک» سرودهٔ فریدون سراج، «من و مامان و مدرسه» سرودهٔ شکوه قاسم‌نیا، «قدِ سرِ سوزن» سرودهٔ ناصر کشاورز، «قِچ قِچ» سرودهٔ «طیبه شادمانی»، «یک قوری پر از قور»، سرودهٔ مریم هاشم‌پور، «آقای تابستان» و «چشمه‌خانم» سرودهٔ منیره هاشمی، مجموعه‌اشعاری هستند که مصداق‌های شعری این پژوهش را دربردارند.

۲- بحث

بر اساس شواهد متنوعِ موجود و اغلب اشعاری که برای کودکان سروده شده، می‌توان ادعا نمود که شعر کودک، عموماً در پی نمایشِ فضا، کُنش، اشخاص و پدیده‌هایی است که فاقد واقعیتِ بیرونی بوده و صرفاً برآیند تخیل و رؤیا، و گاهی حتی حاصل توهماتی است که با دنیای خیالی کودکان همسانی دارد و برای آنان دارای جذابیت و خوشایندی است. چنین فضا و دنیایی در عین فراواقعی بودن، با واقعیاتِ بیرونی پیوند می‌یابد و با اجزای عینی و ملموس در تعامل قرار می‌گیرد. این ویژگی، میان شعر

کودک به عنوان یک گونهٔ ادبی، و آثار سوررئالیستی که در حوزهٔ مکاتب ادبی قرار می‌گیرند، نسبت و ارتباط ایجاد می‌کند و بدان ماهیت و خصلت میان‌رشته‌ای می‌بخشد.

۲- ۱- رویداد

کم‌رنگ کردنِ واقعیت و ترسیم شرایط خارق‌العاده و دور از ذهن از اصول سوررئالیسم (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۷۲)، همچنین از مختصات شعر کودک به شمار می‌رود. این رویکرد که موجب شگفتی در مخاطب می‌شود، با همان شیوه‌هایی که در آثار سوررئال، امکان تحقق می‌یابد، در شعر کودک نیز صورت می‌گیرد. شعر کودک، عرصه‌ای مناسب برای شکل‌گیری شرایط و اتفاقاتی از این دست است، زیرا کودکان، مخاطبانی مناسب و پذیرا برای این رویهٔ شاعرانه به شمار می‌آیند. وجودِ صفتِ پذیرندگی در کودکان و امکان لذت‌بردن آنان از اعمال و احوال متحیرانه، شاعران کودک را به ترسیم کُنش و کردارهای غریب و ناممکن ترغیب می‌سازد؛ این کُنش‌ها در شعر کودک با بهره‌گیری از تخیلی فارغ از منطق و در چارچوبِ مناسباتی بیرون از قانونِ علیت سامان می‌پذیرد؛ از این روی، اغلب اوقات از مرز واقعیت فراتر می‌روند و ساخت و ماهیتی غیرحقیقت‌نما می‌یابند. شاعر کودک با ترسیم فضا و رویدادهایی حیرت‌انگیز و البته باورپذیر برای کودکان، از واقع‌گویی فاصله می‌گیرد. او افکار و تصوراتی را که موجودیت ذهنی و حتی وهمی دارند، عینیت می‌بخشد و به صورت امری واقعی نشان می‌دهد. در حقیقت به شیوهٔ سوررئالیست‌ها از مرز واقعیت عدول می‌کند و در صدد برمی‌آید با نشان‌دادنِ رویدادی غریب، واقعیتی جدید بیافریند؛ این واقعیتِ جدید با وجودِ نامتعارف‌بودن و با همهٔ تفاوتی که با واقعیت شناخته‌شده دارد، به طریقی شاعرانه توجیه می‌یابد و برای مخاطب، باورپذیر می‌شود؛ طوری که تفاوت و حتی تضاد آن با واقعیت، تا حد زیادی از چشمِ مخاطب پنهان می‌ماند. زیرا مایهٔ شگفتی مخاطب و به تبع آن موجب لذتِ او می‌گردد. مصداق‌های زیر از این‌دست اشعار هستند و در آنها تخیلی کودکانه بازنمایی شده است:«پریدم توی یخچال/ دلم نوشابه می‌خواست/ ولی با کله خوردم/ به شیر و خامه و ماست/ صدای گاو آمد:/ بفرمایید ... ما... ما.../ چه جالب خانم گاو/ دکان وا کرده این‌جا!/ چه می‌شد خانم گاو/ کمی فکر دلم بود/ کنار شیر و دوغش/ دوتا نوشابه هم بود!» (هاشم‌پور، ۱۳۹۳: ۳۰).

«امروز لکّه‌ای شیر/ بر روی میز دیدم/ توی خیالم آن را/ یک موشِ ریز دیدم/ دادم به موشِ شیری/ یک تکه از پنیرم/ می‌خواستم برایش/ یک لقمه هم بگیرم/ او تازه داشت با من/ نان و پنیر می‌خورد/ مامان رسید و او را/ با دستمالِ خود برد» (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۱).

«صبح یک روز بهار/ صبح یک روز قشنگ/ با مقوا ساختم/ جوجه‌ای زبر و زرنگ/ خانهٔ ما پر شد از/ جیک و جیک و جیک و جیک/ هر کجا دنبال من/ می‌دوید او تیک و تیک/ با تکان دست من/ زود بالا می‌پرید/ روی دست مادر و/ پای بابا می‌پرید/ شب که شد او گریه کرد/ چشم‌هایش را نبست/ گفت: «مادر!» جای او/ زیر بال مادر است/ با مقوا مرغکی/ ساختم فردای آن/ مرغ من با جوجه‌اش/ بود خیلی مهربان» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۷).

«شاید جناب آتش/ سنش زیاد باشد/ من فکر می‌کنم که/ هم‌سنِ باد باشد/ دیروز بچهٔ او/ در فندک عمو بود/ مثل پدربزرگش/ شیطان و غرغرو بود/ تازه دروغکی گفت:/ «از من نترس... سردم!»/ می‌خواست من بسوزم/ اما فرار کردم!» (هاشم‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴).

در هر یک از این اشعار، رویدادی نامتعارف و رفتاری غیر معمول رخ می‌دهد که با آنچه در دنیای واقعی امکان وقوع دارد، دارای تفاوت است. «حضور گاو در یخچال و ...»، «تبدیل لکهٔ شیر به موشِ ریز»، «جیک و جیک جوجهٔ مقوایی و باقی ماجرا ...» و «دروغ‌گویی فندک و ...» کُنش‌هایی غریب هستند که در فضای خاص و سوررئالیستی این اشعار، امکانِ تحقق یافته‌اند. کودکان با اتکا بر توانمندی خود می‌توانند رفتارهایی تا بدین حد عجیب و باورنکردنی را در ذهن بیافرینند و با بهره‌گیری از تخیل کودکی، نظیر آن را برای خود بازآفرینی و باور کنند. افزون بر توانایی خاص کودکانه، تمهیدات شاعر نیز در باورپذیری این احوال نقش دارد. آنچه در فضای این اشعار به عنوان امرِ ناممکن رخ داده، با همهٔ غرابتی که دارد، در حیطه و در حدِ تجربیات کودک شکل می‌گیرد و با عناصر و نشانه‌های عینی و واقعی پیوند و نسبت پیدا می‌کند؛ به بیان دیگر، علی‌رغم غیر واقعی بودن، در زمان، مکان و شرایط و بستری واقعی قرار می‌گیرد؛ همین امر، وجه سوررئالیستی آن را قوت می‌بخشد.

۲- ۲ - اشخاص

یکی از شگردهای معمول در شعر کودک، ایجاد مجال برای نقش‌آفرینی اشخاص با اهداف خاص است. اشعاری که با این رویکرد سروده می‌شوند، عموماً با اشکالی از شخصیت‌پردازی همراه هستند و بافتی روایی و ماجراگونه دارند. شخصیت‌هایی که در فضای این اشعار، امکان حضور می‌یابند، متناسب با اهداف اصلی و تعریف‌شدهٔ شعر کودک، واجدِ ماهیت و کُنش‌های متفاوت می‌گردند. آنها عموماً دارای موقعیت و کردار نامتعارف هستند و به لحاظ منطقی در جای طبیعی و واقعی خود قرار نمی‌گیرند. به همین جهت با آفریده‌های سوررئالیستی، همانندی می‌یابند و اقوال و کردارشان صبغهٔ سوررئالیستی می‌پذیرد.

خاستگاه این اشعار، نگاهِ دگرگونهٔ شاعر به اشیا و پدیده‌هاست که در آن با بهره‌گیری از شگرد و آرایهٔ تشخیص، پدیده‌ها و اشیا به شخصیت‌هایی انسان‌گونه و جذاب برای مخاطبان تبدیل می‌شوند؛ شخصیت‌هایی که با وجودِ نامتعارف بودن، در قواره‌هایی متناسب با ذهنیت، پنداشت و پذیرشِ مخاطبانِ کودک ظاهر می‌شوند؛ طوری که این مخاطبان می‌توانند با آنها همذات‌پنداری کنند و آنها را صورتِ عینیِ تصاویر ذهنی خود بپندارند. شاعران برای روایتِ احوال و کردارِ هر یک از این شخصیت‌ها، زاویهٔ دید خاصی، متناسب با حال و هنجار آنان، برمی‌گزینند؛ گاه از زاویهٔ دیدِ درونی بهره می‌برند تا انگیزه‌ها، عواطف و اندیشه‌های آنها را بیان کنند؛ گاهی نیز با استفاده از زاویهٔ دیدِ بیرونی، حرکات، سکنات و احوال آنها را توصیف می‌کنند:

«گربه‌ای هستم گرسنه/ مانده‌ام در زیر باران/ کاشکی پیتزای گنجشک/ داشتم می‌خوردم الان/ کوچهٔ بالایی ما/ یک درخت صاف دارد/ لابه‌لای شاخه‌هایش/ یک شکم با ناف دارد/ لانهٔ گنجشک کوچه/ توی ناف این درخت است/ غصه خوردن راحت، اما/ خوردن گنجشک سخت است» (کشاورز، ۱۳۹۳: ۲۵).

«سخنران شروع کرد به حرف زدن/ میکروفون‌های کچل/ هم‌دیگر را هُل می‌دادند تا جلوتر بایستند/ هر کس کله‌گُنده‌تر بود/ به دیگران تنه می‌زد/ وقتی سخنرانی تمام شد/ فقط یک نفر آن را خوبِ خوب شنیده بود؛/ میکروفون کوچکی/ که یواشکی/ از یقهٔ کت سخنران بالا رفته بود!» (تولایی، ۱۳۹۱: ۱۰).

«خانمِ جعبه که آمد/ کاغذ کادو تنش بود/ یک گل روبانی سبز/ دکمهٔ پیراهنش بود/ در دل او وول می‌خورد/ هدیهٔ من مثل نی نی/ گفت: دکتر شو خودت، تا/ نی نی من را ببینی/ باز کردم جعبه‌ام را/ مثل دکترهای ماما/ از دل آن جعبه‌خانم/ هدیه‌ام آمد به دنیا» (کشاورز، ۱۳۹۳: ۲۸).

هر یک از این اشعار، به واسطهٔ وجود شخصیتی نامتعارف که دارای رفتار و حالاتی فراواقع است، به صحنه‌ای از حضور غریب اشیا بدل شده و عناصر خاصی در آن برجستگی یافته‌اند. شخصیتِ حاضر در شعرِ نخست «گربه‌ای گرسنه است که هوس خوردن پیتزای گنجشک دارد» و در شعر دوم «میکروفون‌ها به اعمال انسانی، آن هم از نوع شیطنت کودکانه، دست می‌زنند». در شعر بعدی «جعبه‌ای که کاغذ کادو به تن دارد»، در هیأت خانمی باردار که قرار است زایمان کند، ظهور یافته است.

۲-۳- طنز

طنز با انگیزه‌های مختلف شکل می‌گیرد و کارکردهای متفاوتی می‌یابد (حلبی، ۱۳۶۴: ۴۵). مبنای طنز در شعر، «تخیل طنزآفرین» (براهنی، ۱۳۶۲: ۵۳۶) و تکوین آن، مستلزمِ «قدرت و ایجاز در نکته‌پردازی» (پلارد، ۱۳۷۸: ۳۳) است. از منظر سوررئالیسم، طنز، امکانی برای برای نشان دادنِ واقعیت از زوایای متفاوت است و به عنوان «نقطهٔ عزیمت واقعیتی تازه» (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۸۱۵) مورد توجه قرار می‌گیرد. طنز در سوررئالیسم با اهدافی خاص شکل می‌گیرد. طنز سوررئالیستی، بنیانی هنجارشکن دارد و در پی غریب‌گردانی و ایجاد تغییر در جایگاه و ماهیتِ اشیا و مفاهیم، هم‌چنین در صدد از بین‌بردنِ روابط آشنا بین امور است. این امر، نهایتاً به حیرت و لذت و نیز تغییر نگرش مخاطب نسبت به واقعیت‌ها می‌انجامد. از سوی دیگر، طنز، یکی از عوامل جذابیتِ شعر در نظر مخاطبان کودک است. از این روی با جان‌مایهٔ بسیاری از اشعار کودکان پیوند و نسبت دارد. طنز در شعر کودک، جهت‌دار بوده و متناسب با دنیای کودکانه و برگرفته از محیط و عناصر آشنا برای کودکان شکل می‌گیرد، با این وصف، گاهی با برخوردِ متفاوت و غیرمنتظره با موضوعات و پدیده‌ها همراه می‌شود و شالودهٔ آن بر اساسِ نفیِ واقعیت و به‌هم‌ریختگیِ نظمِ منطقی امور شکل می‌گیرد، در این هنگام با طنزِ مورد نظر سوررئالیست‌ها قرابت و همانندی می‌یابد.

مصداق‌هایی از این گونه طنز در میان اشعار کودکان یافت می‌شود که در آنها شاعر کودک به دنبال تغییر در موقعیت اشیا و از بین بردن مناسبت‌های معمول بین پدیده‌هاست. شاعر کودک با این رویکرد، جریانی غیرمنتظره و دور از پیش‌بینی را در شعر شکل می‌دهد و ضمن ایجاد مجالی برای تفریح و خنده و نیز شگفتی مخاطبان کودک، فرصتی برای تغییر در نگاه و تفکر آنان فراهم می‌آورد. این نوع طنز، در عین حال که ترسیمی خنده‌آور از امور به دست می‌دهد، ماهیتی جست‌وجوگرانه دارد. زیرا با فاصله‌گرفتن از دنیای مادی و واقعی و نیز کم‌رنگ‌ساختنِ جنبهٔ جدیِ واقعیت، طرحی تازه و به تعبیر سوررئالیست‌ها «فراواقع» از امور ارائه می‌کند. کاربرد این نوع طنز که با هنجارشکنی و شکستن ساختارها و قیود همراه می‌شود، در شعر کودک با ملاحظات تربیتی و برخی الزامات عاطفی و فکری همراه است:

«کاشکی مامان کوچیک بود!/ قدِ عدس، ریزِ ریز/ می‌بردمش مدرسه/ می‌ذاشتمش تو جا میز/ وقتی دلم تنگ می‌شد/ یواش نگاش می‌کردم/ اگر کسی می‌فهمید/ زود جابه‌جاش می‌کردم» (قاسم‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۱).

«ای ماه که نشستی/ در آسمان خانه/ امشب شدی شبیهِ/ یک قاچ هندوانه/ افتاده باز عکست/ در حوض خانهٔ ما/ یک ساعت است الان/ می‌بینمت از اینجا/ ای کاش می‌شد ای ماه/ پایین بیفتی الان/ می‌چسبد از تو امشب/ یک گاز گنده با نان» (داوری، ۱۳۹۳: ۱۴).

«توی گوش این درخت/ باز هم نمی‌رود/ حرفِ مفتِ بند رخت/ میخ باز کج شده/ با تمام تیزی‌اش/ باز هم فلج شده/ توی ذهن من هنوز/ رخنه کرده این سؤال/ در تمام طول روز:/ حرف میخ، مفت بود/ یا پوست درخت/ واقعاً کلفت بود؟» (بکتاش، ۱۳۸۶: ۱۷).

این مصداق‌ها، شواهدی از طنز در شعر کودک هستند که در آنها شاعران از الگوهای عمومی و معمول طنز تبعیت نکرده‌اند. در این شواهد از تمهیدات و شگردهای هنجارشکنانه‌ای بهره گرفته شده که می‌توانند نظام عادی تفکرات و مفاهیم را تغییر دهند و مفاهیم جدیدی به اشیا و امور ببخشند.

در مصداق نخست، آرزوی کوچک‌شدنِ مامان در حد عدس ریز و تبعات آن، برآیندی از تخیلِ طنزآفرین و در عین حال نامتعارفِ شاعر است که موجب ارایهٔ درکی تازه از مفهومی خاص، یعنی وابستگی عاطفی کودک به مادر خود، شده است.

در نمونهٔ شعری دوم، نشستنِ ماه در آسمان خانه، شبیه‌شدنِ ماه به یک قاچ هندوانه، افتادنِ ماه از آسمان و آرزوی یک‌گازِ گُنده زدن به قاچ هندوانه، یعنی ماه، پاره‌هایی از تخیل به کار رفته در این شعر و عناصر طنزآفرین آن هستند که هیأتی فراواقع از یک امر واقعی را نشان می‌دهند. امرِ واقعی، نگاهِ کودکی به آسمان است که به تماشای ماه ایستاده است و هیأتِ فراواقع، ترسیمی شاعرانه و توأم با طنز است که شاعر از آن ارایه داده است.

طنز موجود در مصداق سوم بر اساس بازی شاعر با کلمات و پرداختن او به ظرایف لفظی صورت پذیرفته است. «حرف مفت بند رخت»، «حرف میخ، مفت بود» و «پوست درخت، واقعاً کلفت بود» ترکیب و عباراتی طنزآمیز و مبتنی بر آشنایی‌زدایی هستند که بنیان معنایی این شعر را سامان داده‌اند.

طنز سوررئالیستی به اشکال دیگری نیز در شعر کودک شکل می‌گیرد. گاهی طنز شعر کودک به واسطهٔ کاریکاتورسازی و تبدیل واقعیت به امری مضحک و بسیار دورتر از واقعیت نشان داده می‌شود. این نوع طنز، عموماً در تقابل و تعارض با دنیای بزرگسالی قرار دارد و طی آن، امور جدی زندگی، حالتی بازی‌گونه و تمسخربار می‌یابد. به نظر می‌رسد شاعر به صورتی غیر متعهدانه برای خنداندن و تفریح مخاطب چنین کاری را در پیش می‌گیرد، اما با قدری تأمل در ذاتِ کارش می‌توان دریافت که وی در جهت خلق واقعیتی ورای واقعیت شناخته‌شده حرکت کرده و با وارد کردن سرگرمی و شیطنت کودکانه در جهان واقعی که دنیای بزرگسالان نیز هست، رنگ و جلا و خصلتی کودکانه به وقایع مربوط به زندگی بزرگسالان می‌بخشد تا کودکان بتوانند آن را از آنِ خود بپندارند.

«کرم کوچولو داشت/ توی کاهو لانه/ کرد بیرون او را/ مادرم از خانه/ او دَمِ در مانده/ زیر باران و باد/ خانه‌اش را کرده/ مادرِ من سالاد» (اسلامی، ۱۳۹۳: ۹).

«من را کچل کرده/ آقای سلمانی/ دیشب بدون مو/ رفتم به مهمانی/ دیدم همه دارند/ موهای زیبایی/ اما نکردم من/ احساس تنهایی/ چون که عمو هم بود/ مثل خودم بی‌مو/ رفتم نشستم من/ فوری کنار او» (هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۲).

«جوراب،/ اتاقِ انگشت‌های ناز است/ خوش به حال انگشت‌هایی که/ پنجرهٔ اتاق‌شان/ همیشه باز است!» (تولایی، ۱۳۹۱: ۸).

«فرش ما با ریشه‌اش/ شَست پایم را کشید/ توی دستم پارچ بود/ او، ولی آن را ندید/ شوخی‌اش بی‌مزّه بود/ ناگهان خوردم زمین/ پارچ با یخ‌های سرد/ منفجر شد، مثل مین/ حیف، با این کار زشت/ کار خوبم شد خراب/ فرش و من با هم شدیم/ از خجالت، خیسِ آب» (شادمانی، ۱۳۹۴: ۴).

۲- ٤ - خواب‌دیدگی

خواب و رؤیا با ناخودآگاه انسان، نسبت و پیوندی تنگاتنگ دارد. به تعبیر «یونگ»، خواب‌ها «حلقه‌های مرئی زنجیری از رویدادهای ناخودآگاه» (یونگ، ۱۳۸۲: ۳۳) و «نماینده‌ای از عقل و دانشِ ناآگاه» (یونگ، ۱۳۸۳: ۲۱) هستند. گفته‌شده: هر خوابی «دریچه‌ای است گشوده‌شده به شب تاریک درون» (شایگان، ۱۳۷۱: ۲۰۶) و «جلوه‌ای ویژه از ناخودآگاه» (یونگ، ۱۳۷۲: ۴۰) که می‌تواند ابعادِ پنهان و نانمودهٔ درون و ناخودآگاهی آدمی را آشکار کند. سوررئالیست‌ها توجه ویژه‌ای به خواب دارند و از آن به عنوان «تجربهٔ سوررئالیستی» (ادونیس، ۱۳۸۵: ۸۴) و یکی از زمینه‌های پیدایش سوررئالیسم سخن می‌گویند (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۷۲). در کل، سوررئالیسم، خواب را شیوه‌ای برای جست‌وجوی واقعیت دیگر (سیدحسینی،۱۳۸۷: ۸۳۷) از طریق کشف دنیایی ورای عالم عینی معرفی می‌کند. چنین واقعیتی جز در عالمِ بی‌حد و مرز خواب و بدون رهایی ذهن از قیودِ عقل و خودآگاهی موجودیت نمی‌یابد. به باور سوررئالیست‌ها خواب و رؤیا، شکلی از فکر که دارای «آزادی و باروری بیشتر» (ادونیس، ۱۳۸۵: ۳۰۳) و عرصه‌ای است که همه‌چیز در آن، آسان و طبیعی به نظر می‌رسد؛ همچنین دارای زبانی است که واگویی اسرار یا «محتوای نهفتهٔ» ناخودآگاهی (تایسن، ۱۳۸۷: ۴۶) و دنیای اوهام و اشباح را ممکن می‌سازد.

بسامدِ خواب و رؤیا در شعر کودک و استفادهٔ شاعران از آن در جهت دستیابی به برخی اهداف هنری و تربیتی را می‌توان تجلی دیگری از سوررئالیسم در شعر کودک تلقی نمود. روایتِ خوابِ دیده‌شده و رؤیاهای مربوط به آن، شگردی هنری در شعر کودک به شمار می‌آید که به شاعرِ کودک امکان می‌دهد فضاهایی سوررئالیستی و چشم‌اندازهایی خاص خلق کند. این فضاها به نوعی، بازنمایی یا شبیه‌سازی دنیا و وقایعی است که کودکان قادرند در ذهن خویش بدان موجودیت ببخشند و معمولاً دربردارندهٔ احوال و کُنش‌هایی فراواقع هم‌چون رخدادهایی هستند که در عالم خواب می‌توان تجربه نمود. این احوال که منطبق بر عواطف و امیال کودکانه آفریده می‌شوند، به عنوان برآیندی از ضمیر ناخودآگاه و جریانِ تفکر و فعالیتِ ذهنِ کودک حائز اهمیت هستند.

«خواب دیدم ...» یا «به خوابم آمد» و عباراتی از این دست، همواره به عنوان سرآغاز کلام در این اشعار به کار می‌رود. چنین عباراتی می‌تواند به طور ناخودآگاه، مخاطب شعر را از حریمِ هشیاری و خودآگاهی به ساحتِ ناخودآگاهی رهنمون شود و در وی زمینه و پذیرش لازم را برای باور ماجراهای غریب و فراواقعی که پس از آن روایت می‌شود، به وجود آورد. حساسیتِ مخاطبِ کودک، نسبت به واژهٔ خواب و سابقهٔ ذهنی او از عبارت «خواب دیدن»، موجب می‌شود تا به طور غیر ارادی آمادگی لازم برای دیدنِ دنیایی ناشناخته و درک احوالی متفاوت و تجربه‌نشدنی را کسب کند. این اشعار، ساخت روایی دارند و در هر یک از آنها ماجرایی خاص که راوی، آن را در خواب دیده، روایت می‌شود. بستر و زمینهٔ شکل‌گیری ماجرای هر شعر، جنبه و بُعدی از امیال، افکار و احساسات کودکانه و نیز تخیل بی‌مزر کودکان است:

«خواب دیدم دیشب/ توی یک یخچالم/ دور خود می‌دیدم/ برف و یخ یک عالم/ یخ زدم سردم شد/ زود در را بستم/ ناگهان حس کردم/ خرسِ قطبی هستم/ گُشنه بودم رفتم/ توی غاری آن دور/ شیر خوردم با موز/ کیک و سیب و انگور/ ناگهان دستی داغ/ گوش من را پیچاند/ من پریدم از خواب/ خواب من ناقص ماند» (کشاورز، ۱۳۹۳: ۸).

«دوباره دیشب آمد/ فرشته‌ای به خوابم/ فرشته‌ای که بیرون/ پریده، از کتابم/ فرشته‌ای که بالش/ به قد آسمان بود/ چقدر دوستم داشت/ چقدر مهربان بود/ قشنگ حرف می‌زد/ زلال و ساده چون آب/ پدر مرا صدا زد/ و من پریدم از خواب» (سراج، ۱۳۹۳: ۶)

«کلاغ بدجنسی/ به خواب من آمد/ و قار قار و قار/ به هر طرف پر زد/ عروسکم را دید/ که روی ایوان بود/ گرفت عروسک را/ پرید از آن‌جا زود/ به سمت او رفتم/ پرید از ایوان/ نگاهم ابری شد/ و پُر شد از باران/ کلاغ خواب من/ چه کار زشتی کرد!/ عروسکم را کاش/ دوباره می‌آورد» (سراج، ۱۳۹۳: ۱۲).

«شب بود و می‌دیدم/ خوابی سفید و سرد/ یک خرسِ قطبی داشت/ دنبال من می‌کرد/ در برف سُر خوردم/ دمپایی‌ام افتاد/ یک پنگوئن آمد/ فوری نجاتم داد/ تا خانه‌اش با او/ بی‌دردسر رفتم/ با زنگ ساعت، صبح/ از قطب در رفتم!» (هاشم‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲).

۲- ۵- اشیا

عینی‌کردنِ تصاویر ذهنی و به موازات آن، تغییرِ هویت و جایگاه اشیا در تصاویر و فضاهای شعری، اصل دیگری از اصول سوررئالیسم است که تجلیات آن را در بعضی از اشعار کودکان می‌توان سراغ گرفت. در مواردی شاعران کودک به شیوهٔ سوررئالیست‌ها گزارش، روایت و یا توصیفی از تصور و ذهنیات خود را به طور واقع‌نما و به تعبیر سوررئالیست‌ها به صورت «واقعیتی دیگر» به دست می‌دهند. این واقعیتِ دیگر، به واسطهٔ عینی‌شدنِ روایت‌های ذهنی، ممکن می‌شود؛ بدین صورت که شاعر، عناصر ذهنی و پدیده‌هایی را که واقعیت بیرونی ندارند و صرفاً برآیند تصور و ذهنیت و تخیلی در حد تخیل کودکان توانند بود، در زمان و مکانِ واقعی قرار می‌دهد و با ایجاد فضایی ملموس، تعاملی خاص میان عناصر ذهنی و عینی به وجود می‌آورد؛ به بیان دیگر، به شکلی خاص، میان امور واقعی و فراواقع ارتباط و نسبت ایجاد می‌کند، طوری که آنچه فراواقع و ذهنی است، به واسطهٔ قرار گرفتن در محیط و زمان واقعی، واقعیت به نظر می‌رسد و صورتی عینی و مجسم به خود می‌پذیرد. فضاهایی از این دست که خصلت سوررئال دارد، در حقیقت، بازتابی از دنیای ذهنی کودکان است. از این روی با وجود غیر واقعی‌بودن، مخاطب کودک، آن را به عنوان جزئی از واقعیت تلقی می‌کند و ماهیت تازهٔ اشیا و پدیده‌ها را در آن می‌پذیرد.

این فضاها در واقع صحنه‌هایی از حضور متفاوت و نامتعارف اشیا و پدیده‌ها هستند که روابط و مناسباتی غیر معمول در آنها جریان می‌یابد و رخدادهای عجیب و خیال‌انگیز در آنها شکل می‌گیرد؛ اشیا تغییر ماهیت می‌دهند و واقعیت‌ها رنگ می‌بازند. وجه نامتعارفِ اشیا و مناسبات غیرمعمول از برجستگی‌های هنری این نوع فضاسازی و از عواملی به شمار می‌آید که آن را در نظر مخاطبانِ کودک، جذاب و خوشایند می‌سازد. این خوشایندی از آن روست که آن‌چه نامتعارف به نظر می‌رسد، با وجود اینکه با عقلانیت و منطق ذهنی بزرگسالان منافات دارد، در دنیای کودکانه توجیه‌پذیر بوده و با جهان و نیازهای ذهنی آنان نسبت می‌یابد:

«خیلی شلوغ می‌کرد/ آقای قور قوری/ بالا پرید و افتاد/ با کله توی قوری!/ او توی قوری ما/ یک ذره هم نمرده/ بیچاره باد کرده/ از بس که چای خورده!/ مامان صدای او را/ حتماً شنیده از دور/ ای وای اگر ببیند/ یک قوری پر از قور!» (هاشم‌پور، ۱۳۹۳: ۲۴).

«گوشه‌ای از جلد من/ رفت لای زیپ کیف/ جای دندان‌های او/ نقطه نقطه شد ردیف/ زیپ‌ها از کار خود/ کاش خسته می‌شدند/ مثل دکمه یا خودم/ باز و بسته می‌شدند/ زیپ روزی چند بار/ گاز می‌گیرد مرا/ معنی این کار را/ من نمی‌فهمم چرا؟» (کشاورز، ۱۳۹۳: ۲۳).

«روز عروسی بود/ لامپ زرد/ از عروس و داماد هم خوشحال‌تر بود/ به دوستان قدیمی‌اش فکر می‌کرد/ می‌توانست بعد از مدت‌ها/ لامپ‌های قرمز و آبی و سبز را ببیند/ شب شد/ لامپ زرد/ از عروس و داماد هم غمگین‌تر شد/ کاش برق نمی‌رفت!» (تولائی، ۱۳۹۱: ۲۶).

«من دمپایی ابری داشتم/ خورشید هم دمپایی ابری داشت/ دمپایی من پاره شد/ گریه کردم/ دمپایی خورشید پاره شد/ باران بارید!» (همان: ۳۴)

۳- نتیجه‌گیری

دنیای سوررئال، مبتنی بر رؤیا و تخیلی بی‌مرز و پردامنه است که به واسطهٔ تغییرِ واقعیت و گذر از قیود و عادات، شکل می‌گیرد. رویکردِ ادبیِ سوررئالیست‌ها بر نفی آموزه‌های عقلی و گریز از اصول حاکم بر زندگی انسانی استوار است. این رویکرد، هنر و ادبیات و اختصاصاً شعر را به مجالی برای بیانِ بی‌پردهٔ جریانِ واقعی تفکر و توهمات بدل می‌کند و دنیایی تخیلی و فارغ از قاعده و قانون می‌سازد که بی‌شباهت به دنیای ذهنی و خیالی کودکان نیست. شاعران کودک که به طور خواسته یا ناخودآگاه در مسیر عواطف و تمایلات کودکان حرکت می‌کنند، در مواردی به خلق فضاهای سوررئال دست می‌زنند و دنیایی را می‌آفرینند که ضمن مطابقت با افکار و تخیلات و توهمات کودکان، دارای مختصات سوررئال نیز هست. آنچه به عنوان مختصات سوررئالیسم در شعر کودک قابل جست‌وجوست، به این نوع اشعار تعلق دارد. این اشعار، ضمن اینکه درصدد پاسخگویی به نیازهای عاطفی کودکان هستند، به طور غیر مستقیم بر اساس برخی الگوهای سوررئالیسم خلق می‌شوند. از جملهٔ این الگوها و مختصات، یکی کم‌رنگ‌سازی واقعیت و ترسیم احوالِ شگفتی‌آفرین و غریب است که شیوهٔ کار مشترکی میان سوررئالیست‌ها و شاعران کودک است. دیگر، نقش‌آفرینی

اشخاص در اشعار روایی کودک است. در این اشعار، شخصیت‌هایی سوررئال و مطلوبِ مخاطبان کودک خلق می‌شود. بهره‌مندی شاعران کودک از طنز سوررئالیستی که طنزی غریب و هنجارشکنانه است و در جهتِ نشان‌دادنِ واقعیت از زوایه‌ای متفاوت به کار می‌رود، رویکردِ سوررئالیستی دیگری است که مصداق‌های آن در آثار شاعران کودک یافت می‌شود، توجه به خواب و رؤیا و استفاده از آن برای ترسیم احوال ناخودآگاه نیز شیوه‌ای در شعر کودک است که به کشف و ترسیمِ دنیایی ورای عالم عینی می‌انجامد.

منابع

آدونیس (علی احمد سعید). (۱۳۸۰). تصوف و سورئالیسم. مترجم: حبیب‌الله عباسی، چاپ دوم، تهران: روزگار.

اسلامی، مریم. (۱۳۹۳). دامادی آقا کلاغه. تصویرگر: شیوا اکرم‌زاده، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

الیوت، تی‌اس. (۱۳۷۵). برگزیدهٔ آثار در قلمرو نقدادبی. ترجمه/ تألیف: سیدمحمد دامادی، چاپ اول، تهران: علمی.

آودی، رابرت. (۱۳۸۰). پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم. ترجمه و تدوین حسینعلی نوروزی، چاپ دوم، تهران: نقش جهان.

بارتو، آگینا. (۱۳۵۶). شعر برای کودکان (نکاتی در بارهٔ ادبیات کودکان). ترجمهٔ: اردشیر نیکپور، چاپ اول، تهران: شورای کتاب کودک.

براهنی، رضا. (۱۳۶۲). قصه‌نویسی. چاپ اول، تهران: نشرنو.

بکتاش، غلامرضا. (۱۳۸۶). رونویسی از بهار. تصویرگر: محمدمهدی طباطبایی، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

پلارد، آرتور. (۱۳۷۸). طنز. ترجمهٔ سعید سعیدپور، چاپ چهارم، تهران: مرکز.

تایسن، لُیس. (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. ترجمهٔ: مازیار حسین‌زاده، فاطمه حسینی، ویراستار: حسین پاینده، چاپ اول، تهران: نگاه امروز/ حکایت قلم نوین.

تولایی، حسین. (۱۳۹۱). دمپایی خورشید. تصویرگر: حمیده محبی، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

تولایی، حسین. (۱۳۹۱). ساندویچ قطار. تصویرگر: مرجان بابامرندی، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران. چاپ اول، تهران: پیک.

خزائل، حسن. (۱۳۸۴). فرهنگ ادبیات جهان. جلد اول، چاپ اول، تهران: دبیر.

داوری، زهرا. (۱۳۹۳). یک قاچ هندوانه. تصویرگر: نازنین عباسی، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

رید، هربرت. (۱۳۸۴). معنی هنر. ترجمهٔ: نجف دریابندری، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.

سراج، فریدون. (۱۳۹۳). شب تاریک. تصویرگر: شیوا اکرم‌زاده، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۷). مکتب‌های ادبی. جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: نگاه.

شادمانی، طیبه. (۱۳۹۴). قِچ قِچ. تصویرگر: میترا عبدالهی، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شایگان، داریوش. (۱۳۷۱). بت‌های ذهنی و خاطرهٔ ازلی. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). نقد ادبی. چاپ اول، تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس. (۱۳۹۱). مکتب‌های ادبی. چاپ سوم، تهران: قطره.

فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. چاپ اول، تهران: سخن.

قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۹۴). من و مامان و مدرسه. تصویرگر: میترا عبداللهی، طراح گرافیک: کامران مهرزاده، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کادن، جی‌ای. (۱۳۸۶). فرهنگ ادبیات و نقد. ترجمهٔ: کاظم فیروزمند، چاپ دوم، تهران: شادگان.

کادن، جی‌ای. (۱۳۹۳). قدِ سرِ سوزن. تصویرگر: میثم موسوی، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

لِش، اسکات. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم. ترجمه: شاهپور بهیان، چاپ اول، تهران: ققنوس.

هاشم‌پور، مریم. (۱۳۹۳). یک قوری پر از قور. تصویرگر: مانلی منوچهری، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

هاشمی، منیره. (۱۳۸۹). آقای تابستان. تصویرگر: عاطفه ملکی‌جو، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

هاشمی، منیره. (۱۳۹۳). چشمه‌خانم. تصویرگر: معصومه حاجی‌وند، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۲). انسان و سمبول‌هایش. ترجمهٔ ابوطالب صارمی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۲). روانشناسی و دین. ترجمهٔ فواد روحانی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.

یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۳). روانشناسی ضمیر ناخودآگاه. ترجمهٔ محمدعلی امیری، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.